

معاویه، رونالدو و نثوم



ابراهیم عمران

روزنامه‌نگار

گویا سربال «معاویه» که توسط عربستان با هزینه زیاد تولید شده را باید ذیل اهداف دیگر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این کشور دید و معنا کرد. عربستان جدید به هر طریق ممکن می‌خواهد نامش را در دنیا پُرآوازه کند. از پروژه نثوم تا لیگ فوتبالش و این اواخر هم میانجی‌گری بین کشورهای مختلف با محوریت کشوری صلح‌طلب که پیشینه‌های مانده در ذهن را بزداید. حال داستان سربال «معاویه» هم با جرح، تعدیل و مصادره به مطلوب پیش رود، برای‌شان فرقی هم ندارد! حتی بین کشورها عربی نیز بعضاً صدایی برخیزد هم، توفیری نمی‌کنند، چه که عربستان به‌واسطه سرمایه‌گذاری‌های مالی زیاد و رهبری جدید با افکار مدرن، باید حرف‌های زیادی در منطقه و به طریق اولی جهان داشته باشد. در فقره سربال‌سازی نیز به‌حتم، این آخرین کار آنها نخواهد بود. از جایی شروع کردند که به فکر و اندیشه‌شان نزدیک بود. با ترک‌های سینمایی، میزانشن و دکوپاژی چیدند که هواداران متعصبی را همراه خویش کنند. معاویه‌ای را نشان دهند که باب میل‌شان باشد. هرچند در دنیای شیعه و سنی، اینگونه روایت‌ها قرن‌هاست که وجود دارد. عربستان به‌حتم با شبکه «ام‌بی‌سی» در پی پرداخت قصه و داستان سینمایی و تلویزیونی نیست. آنچه مهم می‌نماید، نگرش سیاست‌مداران آنان به مارکتینگ جهانی است. حال این بازاریابی سیاسی باشد یا فرهنگی یا حتی ورزشی، تمایز چندانی با اهداف از پیش تعیین‌شده متولیان جدید تفکری عربستان ندارد. مگر پروژه نثوم با آن همه پروپاگاندای رسانه‌ای، از هزینه و ابعادش کاسته نشد. یا در لیگ فوتبال با آوردن رونالدو، مدتی سرخط خبرها بودند و بعدش هم از حجم آن کاسته شد. سربال «معاویه» نیز از آنجا ابعادش فراتر از خبرهای عادی است که جمعیت سنی و شیعه را با خود همراه می‌کند. از ممنوعیت پخش تا همراهی احتمالی آن. جلوگیری از پخش که در دنیای فراشبکه‌ای امروز معنا ندارد؛ در کسری از ثانیه پلان و سکانش‌های آن وایرال خواهد شد. دل دادن برخی نیز، دور از ذهن نیست. می‌ماند ذکر این نکته که چرا عربستانی می‌تواند چنین بی‌محبا به دل اینگونه مسائل بحث‌برانگیز برود و هراسی از آن به‌خود راه ندهد؟ چه می‌شود که در سه ساحت جداگانه سیاست، فرهنگ و ورزش؛ این کشور مرزها را در می‌نوردد؟ آیا فقط پول و ثروت، چنین اجازه‌ای را به او می‌دهد؟ یا تئوری‌های دیگری پشت این کردارها وجود دارد. صنعت سینما و سربال‌سازی به‌حتم در اینجا، موردنظر صاحبان امر فرهنگ این کشور است. دور و دیر نخواهد پایید که با همین دست‌فرمان «آبی‌پو» و «نت‌فلکس» عربی نیز راه‌اندازی شود! آنان متوجه شده‌اند برای رسوخ به ذهن مخاطب عرب و بالاسمال غیر آن، باید از جایی آغاز کرد که بیشترین بازدهی را داشته باشد. ساختن شخصیت‌های جدیدی از پیش‌قراولان گاه قهرمان عرب، این فرصت را بدان‌ها می‌دهد که عربستان مدرنی را بازتعریف کنند. دنیای فیلم و سربال، بسان بازی فوتبال نیست که رفت‌وبرگشتی وجود داشته باشد؛ که اگر در بازی رفت، شکست نصیب شد، در بازی برگشت جبرانش میسر شود. تا جواب سربال «معاویه» داده شود، زمان زیادی خواهد طول کشید. آنان می‌دانند که دیگر مدعیان نادرستی این روایت، قدرت ساخت آنچه در ذهن دارند را ندارند. پس تا جایی که می‌شود لانگ‌شات و کلوزآپ‌هایی خلق می‌کنند که دوردست‌ها را نظاره کنند با نیم‌نگاهی به نزدیک‌ترین مناسبات ممکن. آری عربستان هرآنچه در دنیای امروز سرگرمی است را می‌بیند و به کار می‌بندد. آن‌سان که فرینه‌اش ترکیه با ساخت سربال‌هایی؛ سال‌هاست که انجام می‌دهد. افسوس می‌ماند برای ما که هم توان فرهنگی‌مان بالاست، هم قهرمان‌هایی داریم ملی و مذهبی که پرداختن بدان‌ها در سطح جهان می‌تواند هزاران برابر از سربال «معاویه» پُررونق‌تر شود. ولی هیچ‌گاه این مهم در ذهن متولیان فرهنگی نضج نگرفت که چنین کنند. که داستان این نشدن‌ها خود حکایت مجازی می‌خواهد...



۲۴ ساعت

24 HOURS

۱۶

hammihanmedia@gmail.com

@Hammihanonline

• صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کریا سچی
• مشاوران: عباس‌عبدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمن منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه منتقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



عکس: آرش خاموشی / هم‌میهن

تحریریه‌ای با چراغ‌های روشن

روزنامه هم‌میهن در مراسم اختتامیه سومین دوره جایزه انجمن صنفی روزنامه‌نگاران برنده ۶ جایزه شد



نرگس کیانی

خبرنگار گروه فرهنگ

مراسم اختتامیه سومین دوره جایزه روزنامه‌نگاری انجمن صنفی روزنامه‌نگاران با نام «چراغ» که روز پنجشنبه ۱۶ اسفندماه برگزار شد، مراسمی برای «قدردانی از روزنامه‌نگاری بود که با وجود تمام دشواری‌ها و موانع، همچنان در این عرصه باقی مانده‌اند و با تعهد، تلاش و امید، چراغ مطبوعات مستقل را روشن نگه داشته‌اند.» قدردانی از کسانی که هیئت‌داوران این جایزه در بیانیه پایانی‌اش بر آگاهی از رنجی که می‌برند، تاکید کرد. رنجی که اگر چه همچون رنج طاقت‌فرسا و مشترک این روزها با مشکلات معیشتی آغاز می‌شود و در میانه راه به مشکلات صنفی می‌رسد اما گاه بیگانه می‌تواند اوج هولناکی بگیرد. اوجی که نام روزنامه‌نگاران بسیاری را کنار واژه‌های موج‌یازداشت، محاکمه، زندان، آزادی به قید وثیقه و... نشانده است و می‌نشانند. موجی که پس از هر واقعه اجتماعی و سیاسی و اعتراضات خیابانی با شدت بیشتری خود را به دیوار کمان‌چاه خانه روزنامه‌نگاری می‌کوبد که قصه‌شان تنها برافروختن چراغی بر بلندای حادثه‌ای بوده است که در تاریکی رخ داده و شاهدی نداشته است. با این همه اما به‌قول هیئت‌داوران سومین دوره جایزه روزنامه‌نگاری انجمن صنفی روزنامه‌نگاران، هستند روزنامه‌نگاری که با وجود تمام دشواری‌ها و موانع همچنان در این عرصه باقی مانده‌اند. روزنامه‌نگاری که در مراسم اختتامیه «چراغ» در بخش‌های گوناگون؛ گزارش خبری مکتوب، گزارش غیرخبری مکتوب، مصاحبه و میزگرد مکتوب، گزارش ویدئویی خبری، گزارش ویدئویی غیرخبری، چراغ حقیقت (بخش ویژه)، تحولات خاورمیانه، روزنامه‌نگاری تخصصی و پیگیرانه، راستی‌آزمایی اخبار و... مورد تقدیر قرار گرفتند. در این میان شش‌بار شنیده شدن نام روزنامه‌نگاران روزنامه هم‌میهن، نوری بود که روشنایی چراغ‌های روشن تحریریه را جانی بیشتر داد.

یک روزنامه و ۶ جایزه



خبرنگاران روزنامه هم‌میهن در شبی که با یادی از ابراهیم نبوی و اهدای جایزه به برگزیدگان جشنواره همراه بود، بارها شایسته قدردانی و همچنین برگزیده اعلام شدند. نخستین جایزه این شب در بخش «گزارش خبری مکتوب» به الناز محمدی، دبیر سرویس اجتماعی رسید که برای گزارش «بیروت ساعت ۲ بعدازظهر» از سخت نفس» شایسته تقدیر شناخته شد. او در این گزارش به گفت‌وگو با مادر و دختر ۱۴ ساله‌ای پرداخت که مجاری بازداشت‌اش توسط مأموران طرح نور جنجال‌برانگیز شد. روزهای سخت نفس حاجی شریف، دانش‌آموز سال آخر متوسطه و آن‌چه در خیابان وطن‌پور تهران هنگام مواجهه با گشت ارشاد برایش رخ داد، اتفاق تلخی بود که الناز محمدی در این گزارش در گفت‌وگو با کسانی چون مادر او-مریم عباسی- به ابعاد گوناگون آن پرداخت.

دیگر گزارش روزنامه هم‌میهن که از سوی هیئت‌داوران مورد توجه قرار گرفت، گزارشی با عنوان «برای کوچ بازار» از علی ایوبی، خبرنگار گروه اقتصاد بود که در بخش گزارش غیرخبری مکتوب شایسته قدردانی شناخته شد. علی ایوبی در این گزارش تفصیلی میدانی، به اثبات فرضیه غیرممکن بودن انتقال بازار بزرگ تهران پرداخت. او در پی اظهارنظر استاندار تهران که بازار بزرگ را به‌دلیل وسعت و تغییر شکل اصناف با عدم تناسب مواجه دانسته بود و از دستور کار قرار گرفتن طرح انتقال بازار خبر داده بود، راهی چارسوق بزرگ، چارسوق کوچک، بازار آهنگران، بین الحرمین و... شد تا به سوالاتی از این دست پاسخ دهد که این انتقال چقدر شدنی است؟ ۷۰ هزار واحد صنفی چگونه و به کجا می‌تواند انتقال داده شود؟ اصلاً چگونه بازاریان راضی به انتقال خواهند شد؟ ایوبی درنهایت طی گپ‌وگفت با بزرگان بازار و هیئت امنای آن به این نتیجه رسید که کوچک‌ترین نشانه‌ای از رضایت از این کوچ اجباری وجود ندارد.

جایزه گزارش برگزیده بخش غیرخبری مکتوب به فاطمه باباخانی برای انتشار «همکاری برای محیط‌زیست در تنهایی» در روزنامه هم‌میهن رسید. فاطمه باباخانی، روزنامه‌نگار حوزه محیط‌زیست در این گزارش به روایت همسران از سختی‌های زندگی رؤسای پارک‌های ملی پرداخته بود. گزارشی با شروعی گیرا که مخاطب را به همراهی با آن تا پایان مجاب می‌کند: «از وقتی



صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کریا سچی

مشاوران: عباس‌عبدی و احمد زیدآبادی

سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر

دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمن منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)

علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه منتقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)

مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری

مدیر هنری: مهدی قربانی تبار

هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰

چهره

در سوگ خالق سووشون

سیمین دانشور ۸ اردیبهشت‌ماه ۱۳۰۰ در شیراز به دنیا آمد. دانشور در دانشگاه تهران در رشته زبان و ادبیات فارسی درس خواند. در مقطع دکترا، رساله‌اش «علم‌الجمال و جمال در ادبیات فارسی تا قرن هفتم» نام داشت و استاد راهنمایش فاطمه سیاح بود. اما استاد در میانه راه درگذشت و سیمین دانشور کارش را با راهنمایی بدیع‌الزمان فروزانفر ادامه داد. رابطه سیمین دانشور با جلال آل احمد اگر چه به‌سرعت جدی شد و به ازدواج انجامید اما همواره مشکلاتی بر سر راه آن وجود داشت. در همین دوران بود که دانشور ترجمه را شروع کرد. او که اولین کتابش، «آتش خاموش» در سال ۱۳۲۷ منتشر شد، در سال ۱۳۳۱ برای ادامه تحصیلات در رشته زیبایی‌شناسی در دانشگاه استنفورد، به آمریکا سفر کرد. دانشور با اتمام تحصیلاتش به ایران بازگشت و شروع به تدریس در دانشگاه و مدارس کرد. سیمین دانشور در سال ۱۳۴۸ کتاب مشهورش، «سووشون»، را منتشر کرد و کمی بعد هم همسرش را از دست داد. نویسنده شهری چون بهشت»، «ایه کی سلام کنم؟»، «جزیره سرگردانی» و... پس از مرگ همسرش، به کارش در دانشگاه و تدریس ادامه داد، همچنان داستان نوشت و با مطبوعات نیز همکاری کرد. او سرانجام ۱۸ اسفندماه ۱۳۹۰، چشم از دنیا فرو بست.



کتابخانه

همراهی با شاعر ترک

«پیاده‌روی با سطرهای هراسان» نام مجموعه شعری از یکی از شاعران معاصر جهان؛ لیان لی با گردآوری و برگردان مظاهر شهامت از زبان ترکی به زبان فارسی است که در ۱۰۱ صفحه و با قیمت ۱۵۵ هزار تومان توسط نشر آیان منتشر شده است. این دفتر، اولین دفتر از ترجمه مجموعه شعرهایی از لیان لی است که مظاهر شهامت آن را به فارسی برگردانده است. در شعرهای این شاعر ترک، دو عنصر به‌شکلی عجیب با هم و هم‌زمان مانند یک حادثه مشخص و موثر پدیدار می‌شوند: دیدن و ناگهانیت. دیدن ناگهانی یک وضعیت نابوده و گویا ناممکن، به‌شکل تکه‌ای از یک کلیت نامعلوم وبخشی از یک فضای حجیم. در این دیدن ناگهانی، هر چیزی؛ کسی، معنایی، تصویری و خیالی ناگهان وارد حیطه‌ای شده و متجسم می‌شود تا تبدیل به بخشی از موجودیت جهان شاعرانه شده و کلمه‌نما شود. از جمله اشعار این کتاب می‌توان به «در دست، ساکی پر از سال‌های سیاه، به سوی آخرین سوال بزرگ در فردا و بالاخره دانستن این که، دروازه بزرگ شهر بسته است!»، اشاره کرد.



پیاده‌روی با سطرهای

هراسان

شاعر:

لیان لی

گردآوری و برگردان:

مظاهر شهامت

انتشارات: نشر آیان

تاریخ

روز بوشهر



در سال ۱۳۸۷ نشریه‌های بوشهر فراوانی منتشر کردند برای نظرخواهی درباره انتخاب روز بوشهر. پس از پیشنهادها و متعدد و بحث‌های فراوان، روز ۱۸ اسفندماه به‌عنوان روز بوشهر انتخاب شد زیرا در این روز و در

سال ۱۲۷۸، مدرسه «سعادت» که به‌عنوان مدارس جنوب ایران شناخته می‌شود و می‌توان آن را هم‌سنگ دارالفنون تهران دانست، بنیان نهاده شد. این مدرسه را احمدخان دریابگی، حکمران بوشهر با همکاری شیخ محمدحسین و عبدالکریم سعادت تأسیس کرد و بسیاری از علما و شخصیت‌های برجسته بوشهری از این مدرسه فارغ‌التحصیل شده‌اند. مدرسه سعادت در سال ۱۹۰۲ میلادی و طی نخستین سفر لابندراتات تاگور به ایران، میزبان این شاعر برجسته هندی بود و در گسترش خدمات آموزشی در بوشهر، حوزه خلیج فارس و حتی نجف، کاظمین و بحرین نقشی مهم ایفا کرد؛ به‌نحوی که معلمان این مدرسه برای تدریس به‌شهرهای بندرلنگه، اهواز و بهبهان هم می‌رفتند و مدرسی جدید نیز در آن مناطق بنیان گذاشتند. ذکر این نکته ضروری است که در انتخاب این روز مناسبت‌هایی دیگر چون حکم جهاد آیت‌الله بلادی علیه انگلیس یا تولد رئیس‌علی دلواری نیز با توجه به حروف ابجد در نظر گرفته شده است.

در پایان امید باقی‌مانده که در بیانیه هیئت‌داوران نیز به آن اشاره شد، این‌که مشکلات پیش‌روی روزنامه‌نگاران با همکاری و هم‌اندیشی میان خبرنگاران، مدیران رسانه‌ها و نهادهای تصمیم‌گیر حل شده و شاهد روزهایی پربرابر برای روزنامه‌نگاری کشور باشیم.